

مترادفِ جشنواره‌ای برلین!



مجید موثق‌ی

● «شصت‌ونهمین دوره جشنواره فیلم برلین» به پایان رسید و فیلم «مترادف‌ها» (Synonyms) ساخته «ناداو لاپید» برنده خرس طلای این دوره از جشنواره شد! فیلم، ترک دیار فردی برای فراموشی هویت خویش است! تجربه‌ای که در گذشته برای کارگردان این اثر اتفاق افتاده است! فیلمی که به‌زودی جنجال زیادی در زادگاه این کارگردان برپا خواهد کرد! فیلم از یک زیرمتن انتقادی و سیاسی مؤثری برخوردار است و گرفتن «جایزه خرس طلایی» برای این فیلم جنجالی در این دوره کاملاً قابل حدس بود! زیرا بقیه آثار نمایش‌داده‌شده به‌جز تعداد معدودی حرف تازه‌ای برای گفتن نداشتند! اما یکی از فیلم‌های خوبی که می‌توان از آن به‌عنوان یک تجربه نو در میان ۱۷ فیلم مسابقه نام برد، فیلم «من در خانه بودم اما» (I was at Home but)، ساخته «آنگلا شانلک» است که بحق برنده جایزه «خرس نقره‌ای بهترین کارگردانی» شد! «شانلک» از فیلم‌سازان مکتب برلین است که کارگردانان این مکتب از شیوه سنتی دکوپاژ و میزانشناسان تبعیت نمی‌کنند و گاه پلان‌هایی طولانی و ثابت در آثار آنها مشاهده می‌شود! مشخص است که در فیلم «من در خانه بودم اما» اتفاقات پیرامون زندگی شهری، گفت‌وگوهای روزمره و تنش والدین در تربیت کودکان، توسط کارگردان به خوبی مشاهده شده است! فیلم «ضدسیستم» (Systemcrashe)، ساخته «نورا فینگشیت» دیگر فیلم خوبی بود که بوی «خرس طلایی» می‌داد؛ اما برنده جایزه «آلفرد بائر» شد که این نشان هرساله به فیلمی تعلق می‌گیرد که قادر است دریچه تازه‌ای به سوی هنر سینما بگشاید! «ضدسیستم» فیلمی است که نقد نظام تربیتی اروپایی را هدف قرار داده و بازی درخشان مبتنی‌بر آزار جنسی کودکانی است که توسط کشیشی در یک کلیسای کاتولیک مورد تجاوز قرار گرفته‌اند! گفته می‌شود تششیش مذکور که «برنار پرینات» نام دارد، سعی در توقیف نمایش این فیلم را داشت که تلاش او راه به جایی نبرد! جنجال این فیلم این‌ روزها پاپ و دستیاران او را برای یافتن راه‌حلی مناسب درگیر کرده است! ریاست هیئت داوران این دوره برعهده هنرپیشه شهر فرانسوی «ژولیت بینوش» بود که همراه چهره‌هایی مانند «جاستین چانگ» و «ساندرا هولر» قضاوت خوبی را از خود نشان دادند!

اما کیفیت آثار نمایش‌داده‌شده در «شصت‌ونهمین جشنواره فیلم برلین» خبر از عدم یک هیئت انتخاب درست در این جشنواره را می‌دهد!

«برلیناله» با گذشته درخشان خود فاصله زیادی دارد؛ البته این‌ به آن معنا نیست که جشنواره‌های دیگری مانند کن، ونیز و لوکارنو بهتر عمل می‌کنند! وقتی در جهان امروز تکنولوژی و بیماری «نوموفوبیا» (Nomophobia) یا همان «بی‌گوشی‌هراسی» فرصت ارتباط رودرو با انسان‌ها را کمتر کرده، توقعی هم از هنر سینما برای بهترشدن آن نمی‌رود، زیرا هنر آینه‌ای در برابر زندگی انسان است! نقدی که این روزها به ضعیف‌شدن هنر سینما و جشنواره‌های فیلم هست، به انسان و کیفیت زندگی او برمی‌گردد که چقدر توانایی خروج از لاک دنیای مجازی را دارد!

۷۰ وقتی از قیام‌های ایرانی دوران خلافت اموی و عباسی سخن گفته می‌شود، عمدتاً بر وجه ناسیونالیستی و نیز دینی آنها – اعم از دین‌های نوپدید التقاطی یا بازگشت به دین زرتشت تکیه می‌شود؛ اما شما بر مبنای آثار پیشین خود و ازجمله «اتحادیه مردم شرق» و «نادرستی فرضیه‌های نژادی آریا، سامی و ترک» نظریات بان‌ایرانیستی را زیر سؤال برده‌اید و یک فرضیه تازه دارید که انگیزه اصلی همه این قیام‌ها را در برمی‌گیرد و آن عدالت‌خواهانه‌بودن است. درباره این فرضیه بگویید و اینکه داده‌های تاریخی موجود چقدر این فرضیه را تقویت می‌کنند؟ با بررسی دقیق و علمی اسناد و گزارش‌های تاریخی می‌توان نشان داد و اثبات کرد که موضوع اساسی در تاریخ اجتماعی ایران از دوران باستان و اسلامی به این سمت جنگ طبقاتی ناشی از سلطه نظام طبقاتی است که در یک طرف اقلیت ثروتمند و حاکم (طبقه حاکم) و در طرف دیگر اکثریت محروم فقیر و غارت‌زده قرار داشته که در دوران صلح قربانی مطامع سودجویانه طبقه حاکم (شاهان، خلفا، درباریان، مالکین بزرگ و...) بوده و در جنگ‌هایی که بر اثر رقابت میان طبقات حاکم صورت گرفته، قربانی می‌شدند. در بسیاری موارد هم طبقات حاکم با فریب توده‌های مردم، محرومان را با محرومان دیگر سرکوب می‌کردند. با توجه به این نکات می‌توان گفت که سلاطین دوران باستان ایران، طبقات حاکم و سلاطین ایران در دوره‌های تاریخی جنایتکاران تاریخ‌اند. بزرگ‌ترین شخصیت مردمی قابل احترام در دوران هخامنشی گئومات مَغ است که علیه طبقه حاکم قیام کرد. هرودت درباره گئومات می‌نویسد: «این مَغ کسانی به تمام نقاط امپراتوری فرستاد و اعلام کرد به مدت سه سال از انجام خدمات نظام و پرداخت مالیات معاف‌اند و این فرمان را به محض اینکه حکومت را به دست گرفت، صادر کرد». گئومات به‌این‌ترتیب تلاش کرد به غارتگری طبقه حاکم پایان دهد و محرومان جامعه را از فقر و ستم طبقاتی رهایی بخشد؛ اما داریوش هخامنشی با یاری چهار نفر از یارانش گئومات را چنان‌که خود یادآور می‌شود، به قتل رساند تا در خدمت طبقه حاکم به سلطنت برسد. داریوش در کتیبه یادآور می‌شود: «زمین‌ها و رمه‌ها را به سپاهیان بازگردانم، بردگان و خانه‌ها را که گئومات از سپاهیان گرفته بود و آن‌گاه با تعداد کمی از مردان، گئومات مَغ را کشتیم». داریوش با این‌قتل اموال مردم محروم را مجدداً در اختیار طبقه حاکم داد تا مظلّم طبقاتی و غارتگران ادامه یابد. حال باید پرسید کدام‌یک از این دو قابل احترام‌اند؛ گئومات در خدمت طبقه محروم یا داریوش در خدمت طبقه حاکم؟ در دوران ساسانی هم شخصیت قابل احترامی که در جهت منافع طبقات محروم تلاش کرد و به فرمان خسرو ساسانی به طرز فجیعی کشته شد، مزدک است. این بطریق درباره افکار و اقدامات این مرد بزرگ تاریخ اجتماعی ایران می‌نویسد: «اموال فقرا را از دولت‌مندان گرفته، از توانگران به تهیدستان بدهیم و از هرکس که مال و خدمه و امتعه زیادی داشته باشد، گرفته، بین او و غیر او مساوات کنیم تا آنکه احدی را بر دیگری امتیاز نماند». آیا اقدامات مزدک در جهت رهایی اکثریت مردم از فقر قابل احترام و ستایش نیست؟

گئومات و مزدک با توجه به ساختار جامعه با آگاهی

و با شناخت ساختار حکومت و طبقه حاکم در راستای

رهایی طبقه محروم از مظلّم طبقاتی تلاش و با اقدامات

و تعلیم خود از طبقه محروم دفاع کردند. اگر امروزه

کسی در جامعه ما در راستای اقدامات این مردان بزرگ

تاریخ ایران، علیه مظلّم طبقاتی اقدامی کند و خواستار

استقرار عدالت باشد، آیا از مارکس یا نویسندگان شوروی

الهام گرفته است؟ چرا به محتوای پرارزش و آموزنده

تاریخ مبارزات عدالت‌خواهانه در جامعه خودمان توجه

نمی‌کنیم و برای نظریه‌پردازی چشم به متفکران خارجی

دوخته‌ایم؟ کمالاتی که در دوران اسلامی هم با مردان

بزرگی مانند برقعی، رهبر قیام بردگان و دهقانان و بابک

که با اتکا به تعلیم اسلام علیه مظلّم طبقه حاکم قیام

کردند و کشته شدند، سروکار داریم.

این نکات به این سبب یادآوری می‌شود که نشان

داده شود مبارزه طبقات محروم علیه طبقات حاکم

گفت‌وگو با شاپور رواسانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران

چشم به متفکران خارجی ندوزیم



شاپور رواسانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، گفت: عدالت‌خواهی در جامعه ما یک حقیقت تاریخی است. برای نظریه‌پردازی درباره تاریخ مبارزات عدالت‌خواهانه در جامعه خودمان نباید چشم به متفکران خارجی بدوزیم، به گزارش فرهنگ امروز به نقل از مهر، شاپور رواسانی دکترای علوم سیاسی را از دانشگاه هانوفر گرفته و از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۸ در دانشگاه اولدنبورگ درس اقتصاد اجتماعی کشورهای در حال رشد را ارائه کرده است. ازجمله آثار رواسانی در زمینه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌توان به «مفاهیم اجتماعی در جوامع مستعمراتی»، «دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری»، «نادرستی فرضیه‌های نژادی»، «زمینه‌های اجتماعی هویت ملی» و «مفهوم اسلامیت و ایرانیت» اشاره کرد. پروفسور رواسانی اگرچه استاد بازنشسته دانشگاه اولدنبورگ و ساکن ایران است؛ اما همچنان برای تدریس در دانشگاه‌های آلمان دعوت می‌شود. رواسانی این روزها مشغول انتشار بی‌دری مجلدات مجموعه «نضت‌های اجتماعی عدالت‌خواهانه در ایران» است؛ اثری که تاریخ را از دریچه جامعه دیده است. به بهانه اطلاع از روند نگارش و انتشار این کتاب که تاکنون پنج جلد آن توسط انتشارات چاپخش در دسترس خوانندگان قرار گرفته، مصاحبه‌ای با این استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه اولدنبورگ ترتیب داده‌ایم که در ادامه خواهید خواند.

دارای سابقه‌ای تاریخی است. عدالت‌خواهی در جامعه طبقاتی ما یک فرضیه نیست، یک حقیقت تاریخی است. داده‌های تاریخی هم ادامه مبارزه طبقاتی با هدف استقرار عدالت اجتماعی و پایان‌دادن به مظلّم طبقاتی در جامعه ما را تأیید می‌کنند. بخشی از این داده‌ها در کتاب نهضت‌های اجتماعی عدالت‌خواهانه در ایران ذکر شده‌اند؛ جلد اول: قیام گئومات و مزدک. جلد دوم: قیام به‌آفرید، عمار بن یزید المهری، هاشم بن حکیم و بابک خرم‌دین. جلد سوم: قیام بردگان به رهبری علی بن محمد برقعی و جنبش مومنان. جلد چهارم: قیام سرداران در دوران مغول. جلد پنجم: قیام مردم گیلان و تبریز در دوران صفوی. حال باید دید که آیا این داده‌های تاریخی برای اثبات وجود حرکت و جنبش طبقاتی عدالت‌خواهانه در جامعه ایران کافی نیست؟ تکرار می‌کنم عدالت‌خواهی در جامعه ما فرضیه نیست بلکه حقیقت تاریخی است و در اثبات این حقیقت تاریخی بررسی تاریخ مبارزات طبقاتی عدالت‌خواهانه در ایران ادامه دارد.

۷۰ **کدام سنت تاریخ‌نویسی بر مبنای وقایع‌نگاری**

درباری را نقد کرده‌اید. اما برخلاف نظریه‌پردازانی که

متن تاریخ و سنت تاریخ‌نویسی را به‌عنوان محصول

اندیشه با امتناع اندیشه مورد نقد قرار داده‌اند. به

مردم بازمی‌گردید و اینکه این منابع درباره طبقات

فرودست چه دیدگاهی داشته‌اند. از مشکلات این

نوع تحلیل که استخراج آنتی‌ز تاریخ‌نگاری مردمی از

درون تز تاریخ‌نویسی حکومتی است. بگویید.

تاریخ‌نگاری مردمی یعنی کشف و بیان حقایق

اجتماعی– بررسی ساختار جامعه موردنظر– از نظر

طبقاتی و مسائل ناشی از آن امر دشواری است که انجام

آن مشروط به شرایطی است: نخست آنکه مورخ خود

را از مردم دانسته و در خدمت طبقات محروم خواستار

استقرار عدالت اجتماعی با رفع سلطه طبقه حاکم

باشد و از فداشدن در این راه ترسد و عقب‌نشینی نکند.

چنین محقق‌ی باید مخالف نژادپرستی، ناسیونالیسم و

تعصبات فرقه‌ای و... نیز باشد. نکته مهم دیگر؛ آشنایی

محقق با ایدئولوژی‌ها و نظریات اجتماعی، اقتصادی،

سیاسی و ادیان و مذاهب است تا بتواند درباره متونی که

بررسی می‌کند نظری داشته باشد. همچنین به‌کاربردن

دقت علمی در بررسی متون، مقایسه آنها و شناخت

وابستگی‌های طبقاتی و تفکر راویان و نویسندگان

کتاب و روایات از جمله واجبات یک بررسی علمی

پیرامون شناخت اسلام برای کلاس‌های عقیدتی، تهران

۱۳۶۱، ص ۲۹۲).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که اصل

عدالت با وراثت در شیعه تلفیق شده و یک وحدت را

می‌سازد؛ مدارک تاریخی که در جلد پنجم نهضت‌های

اجتماعی عدالت‌خواهانه در ایران– دوره صفویه ارائه

شده‌اند، به طور صریح و روشن فساد شاهان صفوی و

مظلّم طبقاتی آنان را نشان می‌دهند؛ بنابراین می‌توان

گفت که رفتار سلاطین صفوی– با وجود همه ادعاها–

در تضاد با تشیع بود (به طور مثال شکار جرگه و

مجالس فساد) متأسفانه استفاده ابزاری از دین و مذهب

برای توده‌ها در جامعه ما دارای سابقه‌ای طولانی

است. بررسی‌ها اثبات می‌کنند که اصل عدالت، اساس

مذهب شیعه است؛ چنان‌که در اصول مذهب شیعه،

عدل پس از توحید، اما قبل از نبوت ذکر می‌شود و این

به آن معناست که اگر کسی به عدالت اعتقاد نداشته

و به آن عمل نکند، شیعه نیست. با توجه به این نکات

می‌توان گفت در یک جامعه که خود را شیعه می‌داند و

می‌خواند، باید عدالت و مساوات طبقاتی اجرا شود و نه

یک اقلیت حاکم ثروتمند در یک طرف و اکثریت محروم

فقیر در طرف دیگر قرار گیرند. در این جوامع برای آنکه

به حقوق اکثریت مردم محروم تجاوز نشود، باید میزان

مکنت افراد و چگونگی به‌دست‌آوردن آن را از مردم

پنهان نکرد تا جامعه بتواند بر رفتار و روابط افراد نظارت

کرده و مانع سرقّت اموال جامعه شود.

۷۰ **در تحلیل تاریخی دوره مغولان عمدتاً از**

خاندان‌های ذی‌نفوذ دیوان‌سالاران ایرانی به‌عنوان

کسانی که مغولان را مسلمان و متمند کردند. یاد

می‌شود؛ اما شما آنان را به‌عنوان فنودال‌های ایرانی

طبقه حاکمه معرفی کرده‌اید که در روایت خود

از تاریخ هم شورش مردم فرودست روستایی را

به‌عنوان زردان و راهزنان تحریف کرده‌اند. آیا این

تکرش یک‌سویه و منفی‌بیانه نیست به‌عنوان مثال؛

حضور پرقدردت دیوان‌سالاران ایرانی با تکیه بر دانش

شخصی خود– و نه نفوذ طبقات فنودالی و اشرافی

مانند ششورهای روستایی در اواخر قرون وسطی و

قرون جدید– در حکومت‌های محلی و امپراتوری‌های

ایرانی، ترک، ترکمان و مغول نمی‌تواند یک مزیت در

تحلیل اجتماعی تاریخ ما باشد؟

باید پذیرفت که قبول ظاهری اسلام با مسلمان شدن

یعنی قبول و اجرای احکام اسلام در همه زمینه‌ها

ازجمله عدالت قری آسانی دارد. نشان مغول و وزرا

و همکاران و خادمان ایرانی آنان با تظاهر به اسلام و

مسلمان شدن به مظلّم و جنایات طبقاتی ادامه دادند؛

اما نمی‌توان کسانی را که به حقوق انسانی و اجتماعی

اکثریت مردم محروم و زحمتکش تجاوز می‌کنند،

مسلمان دانست. چنین نگرشی یک رویه فکری نیست؛

بلکه دفاع از تعلیم عالیله اسلام درباره عدالت و حقوق

محرومان و مظلّومان است. در بررسی تاریخ طبقات

اجتماعی ایران باید به این نکته توجه کرد که آیا با تغییر

مالکان زمین، ساختار اجتماعی و طبقاتی در این زمینه

نیز تغییر کرده؟ بررسی‌ها نشان می‌دهند که در جامعه

ایران با تغییر شاهان و سلسله‌های سلطنتی و حتی

حکام، مالکان زمین‌ها تغییر کرده‌اند؛ اما نظام و ساختار

زمین‌داری بر اساس ارباب– رعیت، تغییری نیافته است.

فقط افرادی جانشین افراد دیگر شده‌اند که این امر تا

دوران مشروطه ادامه داشت. در تاریخ ایران مثال‌های

فراوانی وجود دارد که افرادی توانسته‌اند با انجام

خدمات در راستای منافع طبقه حاکم و نظام حاکم با

کسب قدرت در سازمان دولت ثروتمند و مالک شوند؛

اما ساختار زمین‌داری تغییر نکرده است. نظام‌الملک‌ها و

رشیدالدین فضل‌الله‌ها و نظایر آنان به علت خدمتگزاری

به طبقه حاکم و سلطان زمان صاحب ثروت و مکنت و

زمین شده‌اند. در دوره معاصر ایران نیز می‌توان افرادی

را نشان داد که در خدمت طبقه حاکم و با حمایت طبقه

حاکم ثروتمند و مالک زمین شده‌اند؛ اما نظام بهره‌کشی

از دهقانان تغییر نکرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند

که ساختارهای اجتماعی– اقتصادی– طبقاتی ایران دیرپا

بودند و با تغییر سلطنت‌ها و حکومت‌ها ساختار اصلی و

اساسی زمین‌داری تغییری نیافته‌اند.

۷۰ **مجموعه پژوهش‌های شما در حوزه تاریخ**

نهضت‌های اجتماعی عدالت‌خواهانه ایران را

می‌توان با عنوان «تاریخ اجتماعی» ارزیابی کرد. در

این راستا شما از آرای دکتر شریعتی به‌عنوان کسی

که تاریخ ایران و اسلام را با تکرش جامعه‌شناختی

و با تکیه بر نقد روحانیت و گرایش‌های

جبرعدالت‌خواهانه از مذهب بررسی کرده‌اند. در مقدمه

جلد پنجم بهره برده‌اید. به نظر خودتان در این قرار

باشد این تکرش متفاوت در قالب «جامعه‌شناسی

تاریخی» بسط یابد. چه زیربنای نظری لازم است؟

و آیا این تکرش انتقادی مهم به ایدئولوژی‌زدگی

نخواهد بود؟

نظریات مرحوم دکتر شریعتی درباره تاریخ ایران و اسلام

با گرایش‌های عدالت‌خواهانه با ارزش و مهم هستند. به

نظرم برای اینکه این نظریه در قالب جامعه‌شناسی نیز

بسط یابد، باید اصل عدالت را در زمینه‌های فرهنگی

سیاسی و اقتصادی با نفی سلطه اقلیت بر همه این

زمینه‌ها پذیرفت. پذیرش این تکرش علمی در جامعه ما

ایدئولوژی‌زدگی نیست؛ بلکه حقایق اجتماعی و تاریخی

در جامعه ماست که نمی‌توان منکر آن شد.

۷۰ **درباره جلد‌های آتی کتاب توضیح مختصری**

بدهید. به‌طورکلی چند جلد خواهد بود و با چه

موضوعاتی؟

کار جلد ششم کتاب درباره امتیاز تنباکو پایان یافته

است. اگر خواندن متعال عمر و سلامتی عطا فرماید،

امیدوارم بتوانم کار بررسی تاریخ ایران را تا دوران معاصر

اعلامه دهم.

واکنش کیانوش عیاری به رفع توقیف فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی»

آقای امیریوسفی خوش‌به‌حالتان!

فرانک آرتا

● بالاخره فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» به کارگردانی محسن امیریوسفی بعد از شش سال توقیف این روزها اکران و با استقبال منتقدان سینما و مردم مواجه شده است. نمایش عمومی این فیلم بیانگر این نکته است که ظاهراً حاکمیت «سلیقه» بر تصمیم‌گیری‌های فرهنگی– هنری نقش مهمی ایفا می‌کند. حال که به نظر می‌رسد اراده معطوف به آزادسازی فیلم‌های توقیفی فعال شده، مناسب است از دو فیلم مهم «خانه پدری» و «کاناپه» به کارگردانی کیانوش عیاری نام برد که همچنان در محاق توقیف هستند.

عیاری در گفت‌وگو با «شرق» درباره وضعیت

فعلی این فیلم‌ها توضیح داد: «متأسفانه

وضعیت هر دو فیلم مانند گذشته و هیچ تغییری

نکرده است!».

در ادامه، کارگردان فیلم «آبادانی‌ها» که این

روزها سر صحنه تصویربرداری سریال «۸۸ متر»

است، به اکران فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی»

چنین واکنش نشان داد: «خوشحالم که بالاخره

فیلم آشغال‌های دوست‌داشتنی اکران شد.».

همچنین عیاری خطاب به محسن امیریوسفی

گفت: «آقای امیریوسفی خوش‌به‌حالتان!».

«خانه پدری» در سال ۱۳۸۹ ساخته شد. در

ابتدا تهیه‌کنندگی این فیلم را «ناجی فیلم» وابسته

به پلیس برعهده داشت که در نهایت به دلیل

انتقادهایش به محتوای فیلم کنار کشید و عیاری

مالکیت فیلم را از آن خود کرد. یکی از دلایل

توقیف این فیلم، نمایش صریح خشونت علیه یک

زن است که کل فیلم نقد چنین تگاهی است. در

برسی دوباره پرونده این فیلم از سوی کارشناسان

سازمان سینمایی اعلام شد که این سکانس فیلم

باید حذف شود که عیاری آن را نپذیرفت و در

نهایت توصیه کردند که «شرط سنی» برای اکران

این فیلم لحاظ شود.

باین‌حال «خانه پدری» در چهارم و پنجم

دی‌ماه ۱۳۹۳ در گروه «هنر و تجربه» در پردیس

سینمایی کوروش به نمایش درآمد، اما بلافاصله

اکران متوقف شد!

عیاری همان روزها در گفت‌وگو با یکی از

خبرگزاری‌ها دراین‌باره واکنش نشان داد: «به

فیلم پروانه نمایش در گروه هنر و تجربه دادند،

اما قرار بود «خانه پدری» در چهار سالن اکران

شود که سه سالن اجازه نمایش ندادند و تنها در

سالن نمایشی که امیر